



جهانی شدن حقوق و صلح؛ آرمانهای دست یافتنی؟

کند که شهر آنها شامل شهروندهای چندگانه باشد. آنها باید هم شهروندان جوامع خود باشند، هم شهروندان مناطق وسیع و گسترده‌ای که در آنها زندگی می‌کنند و هم شهروندان یک جامعه جهانی جهان‌شهرگرایانه. در این برداشت، جهان به عنوان یک جامعه تلقی می‌شود، ایده‌ای که برگرفته از اندیشه جامعه مدنی جهانی و نگرش جهان‌شهری است؛ آنچه در قالب مفهوم دموکراسی، فراگردی دو سویه خواهد داشت. به این ترتیب که در یک سطح در چارچوب جوامع ملی تعمیق پیدا خواهد کرد ولی در سطح دیگر در عرض شهرهای ملی و در ورای آنها به جامعه جهانی نظم خواهد بخشید. جامعه جهانی‌ای که خاستگاه جغرافیایی یا تمدنی ندارد بلکه مشتعل بر یک تلقی از جهان است که در آن تنوع و تکثر حیات جهانی، رها از سلطه دولت‌های برخوردار از حاکمیت یا نظام سیاسی حاکم بر آنها ظهور پیدا می‌کند؛ در قالب گروه‌بندی‌های داوطلبانه‌ای موسوم به سازمان‌های غیردولتی با اهداف مذهبی، بازرگانی، فرهنگی،... هم به فعالیت‌های حوزه‌های عمومی شکل می‌دهند و هم کرامت انسانی و راهکارهای فرهنگی ناظر بر ارزش‌های مشترک را دنبال می‌کنند. تلقی‌ای که در پرتو آن دیگر نمی‌توان پدیده‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی را در چارچوب‌های مضیق ملی دولت‌ها بررسی و دنبال کرد، بلکه در سطح جهانی باید آنها را مورد توجه قرار داد. پارادایمی که در پرتو مبانی آن، نظام بین‌المللی و نظم حاکم بر آن را نباید منحصر به دولت مبتنی بر حاکمیت تعریف کرد، بلکه سیاست جهانی باید فراتر از روابط بین‌الدولی قرار گیرد. ایده‌ای خردمندانه و آرمانی بلند برای نیل به حیات توأم با امنیت و آسایش که منطبق عقلا و مصلحت عموم اقتضای آن

در زندگی بین‌المللی کنونی، بسیاری از مسایل "جهانی" شده و موضوعات زیادی با خروج از شمول مسایل داخلی، و جزء مسایل بین‌المللی یا از جمله مسائل مورد علاقه جهانی گردیده‌اند. از جمله این مسایل جهانی شده، حوزه موضوعی (issue area) حقوق بشر است. در این نگاه در انسان با ماهو انسان، چیزی وجود دارد که مافوق فرهنگ، قوم، نژاد و امثال آن است و انسان، زندانی هیچ کدام از این عوامل تبعی و طفیلی حیات جمعی نیست. هر انسانی از حرمتی ذاتی برخوردار است و بر این اساس برخی چیزها نباید و برخی باید نسبت به انسان انجام گیرد. بنابراین، هنجارها و اصول عینی اخلاقی‌ای وجود دارند که برای گذشتگان، حال و آیندگان یکسان معتبر است. معیارهایی که ذوات بین‌المللی را در معرض قضاوت یکدیگر و نهادهای غیردولتی قرار می‌دهد و آنها را وامی‌دارد که پاسخگو باشند. پارادایم در حال ظهوری که در آن چارچوب‌های ملی جای خود را به سطح تحلیل جهانی می‌دهد و ایده شکل‌گیری جامعه مدنی جهانی که از کنترل دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی خارج، بلکه بر آنها تأثیرگذار است، مورد توجه قرار می‌گیرد.

مبنای شکل‌گیری این مفهوم و روند، کرامت انسانی، و شیوه اجرای آن نیز بیشتر راهکارهای فرهنگی است. از این رهگذر است که مفهوم "شهروند" به عنوان یکی از ویژگی‌های جامعه مدنی جهانی ظهور می‌یابد؛ تلقی جدیدی که در آن "شهروند" دیگر تنها به یک واحد سرزمینی خاص تعلق ندارد بلکه فراتر از مرزها، یک "شهروند جهانی" نیز می‌باشد.

به تعبیر دیوید هله "دموکراسی برای هزاره جدید باید جهانی را تبیین

را دارد. غایتی که جز با دخالت دادن هنجارهای حقوقی مشترک مبتنی بر اخلاق و کرامت بشر حاصل نخواهد شد.

در این راستا، خیزش بنیادین مدنی‌ای که به صورت فراگیر در سطح ملی و بین‌المللی با اهداف تعمیق و گسترش قانونگرایی، تأمین و تضمین حقوق شهروندی، کارآمدی نهادهای مدنی، پاسخگویی حکمرانان، توسعه آزادی‌های سیاسی و اصول قضایی شکل گرفته می‌تواند نقطه عزیمت گفتگوی تمدن‌هایی باشد که از یک سو با ابتدای بر گستره فهم مشترک از مسایل جوامع ملی (به رغم تنوع قومی، نژادی، دینی، فرهنگی و...) و از سوی دیگر با تکیه بر نهادهای غیردولتی ملی فعال در سطح بین‌المللی و تأثیرگذار در حوزه‌های فراملی، در حال تکوین است؛ رهیافتی که همگام با توسعه ارتباطات و تحولات تکنولوژیک، روابط بین‌المللی را در روابط فراملی بین ملت‌ها جست و جو و شکل خاصی از نظم حقوقی - سیاسی را طلب می‌کند؛ نظمی که در چارچوب آن هنجارها و معیارهایی فارغ از هر قید و شرط به نیت افراد انسانی وضع گردیده و بر اجرای آن اصرار می‌شود.

هدف این نیست که تفاوت بین انبای بشر را حذف کرد بلکه آن را باید حفظ نمود و حتی آن را به عنوان منبعی برای قدرت و نشاط گرامی داشت. این همان اخلاق جهانی است که به آن نیاز داریم؛ چارچوبی از ارزش‌های مشترک، احساس از نوع بشر بودن که در آن سنت‌های مختلف می‌توانند همزیستی مسالمت‌آمیز داشته باشند. مردم باید بتوانند از سنت‌های خود پیروی کنند بی آنکه با یکدیگر بجنگند. بایستی آزادی کافی برای تبادل افکار داشته باشند و بتوانند از یکدیگر بیاموزند.

به تعبیر دیوید هله دموکراسی برای هزاره جدید باید جهانی را تبیین کند که شهر آنها شامل شهروندانی چندگانه باشد. آنها باید هم شهروندان جوامع خود باشند، هم شهروندان مناطق وسیع و گسترده‌ای که در آنها زندگی می‌کنند و هم شهروندان یک جامعه جهانی جهان‌شهرگرایانه. در این برداشت، جهان به عنوان یک جامعه تلقی می‌شود، ایده‌ای که برگرفته از اندیشه جامعه مدنی جهانی و نگرش جهان‌شهری است.

همانطور که جناب آقای خاتمی، ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران بیان داشته اند، ما باید بدانیم که همه مردان و زنان اجزای ارزشمند بشریت هستند و این که به طور مساوی می‌توانند بستری بالقوه برای توسعه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و فکری باشند و توسعه فراگیر و پایدار فقط از طریق شرکت فعال مردان و زنان در زندگی اجتماعی امکان‌پذیر است. دبیرکل با این پردازش و با توجه و تأکید بر اینکه نزدیکی جوامع نوین بیشتر از آن و قدرت تخریبی سلاح‌های نوین وحشتناک‌تر از آن است که بتوان تصور نمود که فعل و انفعال بین تمدن‌های نوین می‌تواند به صورت درگیری نظامی باشند، نتیجه می‌گیرد که گفتگوی امروز باید صلح‌آمیز باشد. این یکی از دلایلی است که از نظر او گفتگوی تمدن‌ها باید براساس ارزش‌های مشترک صورت گیرد. از این رهگذر نه تنها هیچ‌گونه توجیهی برای مشروعیت بخشیدن به خشونت‌های بی‌دلیل قابل قبول نخواهد بود، بلکه پس از فروکش کردن هیجان‌ناشی از غرور ملی، به رغم چالش‌های پیش‌رو، افق محکمه بین‌المللی جنایتکاران جنگی و علیه بشریت را نوید می‌دهد. نهادی که تجلی و نماد جهانی شدن معیارها و موضوعیت پیدا کردن هنجارهایی است که برای همه بالسویه بوده و تداعی‌گر نوعی سرنوشت مشترک است. امری که نه تنها تغییر کار ویژه نهادهای سیاسی بلکه دگرگونی در فرهنگ‌های سیاسی را نیز پیش‌بینی می‌کند؛ هم فرهنگ گفت و شنود، هم از قبل آن فرهنگ صلح، که با گسترش آن، تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی نه تنها منابع نزاع و دشمنی قلمداد نمی‌شوند بلکه سرچشمه تنوع، فرزاندگی، زاینده‌گی و هم‌افزایی به حساب می‌آیند. جهان مبتنی بر صلح، جهان سودمند برای همه است که به وسیله همگان ساخته می‌شود؛ با اتکای بر اندیشه و ارتباط و گفتگو و با ارتقای ظرفیت‌های فرهنگی...؛ امری که نیاز به عقل جمعی، عزم جمعی و همکاری

جمعی دارد. لذا ائتلاف برای صلح پیشنهاد می‌شود؛ به معنایی فراهم آوردن فرصت برای همه، امید برای همه و پیشرفت برای همه. آنچه که دبیرکل سازمان ملل نیز آن را مورد تأکید و توجه قرار داده و بر این اعتقاد است که دموکراتیک‌سازی باید با تلاش برای ایجاد فرهنگ دموکراسی، یک فرهنگ سیاسی‌ای که اساساً غیر خشونت‌آمیز است، آغاز شود. فرآیندی که از نظر ایشان با ابتدای بر ارزش‌های بنیادین خاصی برای روابط بین‌المللی در هزاره جدید، مشارکت و همکاری دولت‌ها را طلب می‌کند. نوعی همبستگی که از رهگذر آن باید با چالش‌های جهانی چنان برخورد شود که هزینه‌ها و فشارها به طور عادلانه و مطابق اصول اساسی برابری و عدالت اجتماعی توزیع شود. در این گستره مسؤلیت اداره توسعه اجتماعی و اقتصادی جهان و همچنین برخورد با تهدیدها نسبت به صلح و امنیت بین‌المللی باید بین ملت‌های جهان تقسیم و به صورت چند جانبه اعمال شود.

از نظر کوفی عنان فقط از طریق تلاش‌های گسترده، پیگیر و مستمر برای ایجاد آینده‌ای مشترک، براساس انسانیت مشترک، با همه تنوع آن است که می‌توان جهانی شدن را به فرآیندی کاملاً فراگیر، همگانی و متصفانه تبدیل کرد. این تلاش‌ها باید شامل سیاست‌ها و اقداماتی در سطح جهان باشد که با نیازهای کشورهای در حال توسعه، اقتصادهای در حال انتقال تطابق داشته باشد و با مشارکت مؤثر آنها تنظیم و اجرا شود. روندی که نویدبخش وضعیتی است که در آن حقوق و آزادی‌های بنیادین بشر در یک چارچوب و سازوکار شفاف تضمین خواهد شد. نظم و امنیتی برقرار خواهد شد که جامعه جهانی از رهگذر آن به نظم و امنیت بین‌المللی می‌رسد؛ نظم حقوقی بنیادینی که در واقع محصول بین‌المللی شدن حقوق بشر و یا انسانی شدن حقوق بین‌الملل است. مجموعه قواعد و مقرراتی با جهت‌گیری‌های ناظر بر فرد انسانی که دولت محوری را کنار زده و دولت قانونمند و دولت پاسخگو را افاده می‌کند. مفهومی که از رهگذر فرآیند جهانی شدن و ایفای نقش سازمان‌های غیردولتی، به گونه‌ای جدی‌تر و حساس‌تر بدان توجه شده و با ایجاد رابطه در سطح فراملی، با بهره‌گیری از انسجام حاصله بین نهادهای جامعه مدنی جهانی، هم حاکمیت قانون و قانونمندی را پی‌ریزی می‌نمایند و هم از این طریق صلح و سعادت را به ارمغان می‌آورند. در این راستا، دبیرکل ملل متحد وظیفه دارد که تضمین کند جهانی شدن حائز منافع است؛ نه فقط برای بعضی، بلکه برای همگان؛ اینکه صلح و امنیت دوام می‌یابد، نه فقط برای معدودی بلکه برای تعداد زیادی؛ اینکه فرصت وجود دارد نه صرفاً برای مردم برخوردار از امتیاز بلکه برای انسان‌های همه نقاط دنیا؛ و بر این اساس و با این جهت‌گیری ناظر بر اهداف مشترک بشریت، بر این امر صحنه می‌گذارد که بیش از هر وقت یک نظم حقوقی بین‌المللی محکم، همراه با اصول و رویه‌های چند جانبگی لازم است تا قواعد اساسی یک تمدن جهانی در حال ظهور را تعریف کند.

نتیجه‌گیری

هر چند که وجه اتویایی و آرمانی اهداف و جهت‌گیری روند در حال گذار، و مورد تأکید غالب می‌نماید، اما بر واقعیات و ضرورت‌هایی استوار است که کلیت این جریان را به واقعیت عینی تبدیل کرده است. به تعبیر دیگر، خاستگاه آرمانی و اخلاقی این فرآیند پرشتاب نمی‌تواند و نباید آرمانی و ذهنی تلقی شود. بلکه پاسخی است بایسته به معضلات و نگرانی‌های برخاسته از آنچه در عمل بر بشریت عارض گردیده است. روندی که البته از اهمیت نمادین فراوان نزد وجدان حقوقی جامعه بشری برخوردار است و محوریت آن بر اندیشه خردمندانه و هنجارهایی است که از گذشته‌های بسیار دور، از سوی انبیا، فلاسفه و اندیشمندان بر روی آنها اصرار و تأکید می‌شده است، امری که لا جرم با ابتدای بر منطق عقلا و مصلحت، ضرورتاً محک نقدی است بر چگونگی حکمرانی با تأکید بر حداقل معیارهایی که لازمه حیات جمعی توأم با صلح و امنیت است، صلح و امنیتی که ورای منافع دولتها، معطوف به آحاد بشر است.